Archive of SID

Political Knowledge Vol.14, No.2, (Serial 28), Automn & Winter 2018-2019

Justice and Policy of Ethnic Diversity in the Islamic Republic of Iran, Position and Implications

Jalal Dorakhshah[*]

Hamid Houshangi[**]

Received: 2018/11/16

Accepted: 2019/02/09

Abstract

Ethnic diversity in any country requires policy-making in proportion to the foundations of the political system and the diversity situation in that country. Iran is also one of the countries with ethnic diversity. Justice in the Islamic Republic of Iran is a fundamental discourse and a legitimate factor that should be based on that policy. Therefore, justice in the policy of ethnic diversity is important and has implications as well. In this article, while selecting the approach and definition of justice as the practice of assigning the appropriate position for each object, the status and importance of justice in the policy of ethnic diversity in the Islamic Republic of Iran has been considered both theoretically and practically. In the next step, the implications of adopting a just approach to ethnic diversity policy in the Islamic Republic of Iran have been extracted. Studies and reviews show that the principal, purposeful, process, political and structural implications are derived from the adoption of a just approach to the policy of ethnic diversity.

Keywords

Justice; Politics; Ethnic Diversity; Islamic Republic of Iran; Implications.

[*] Professor of Political Sciences Faculty at Imam Sadiq University
j.dorakhshah@yahoo.com

[**] Assistant Professor of Political Sciences Faculty at Imam Sadiq University
h.houshangi@isu.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال چهاردهم، شماره دوم(پیاپی ۲۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۹۷-۱۳۱

عدالت و سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ جایگاه و دلالت‌ها

جلال درخشه*
حمید هوشنگی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

چکیده

تنوع قومی در هر کشوری نیازمند سیاست‌گذاری متناسب با مبانی نظام سیاسی و وضعیت تنوع در آن کشور است و ایران از جمله کشورهای دارای تنوع قومی محسوب می‌شود. عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران یک گفتمان اساسی و عامل مشروعیت‌بخش به‌شمار می‌رود و باید سیاست‌گذاری بر مبنای آن انجام شود. بنابراین، عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی در این کشور، هم دارای جایگاه و اهمیت است و هم دلالت‌هایی را به‌جای می‌گذارد. این مقاله با روش اسنادی و با بهره‌گیری از منابع و اسناد موجود، ضمن انتخاب رویکرد و تعریف عدالت در آن، به وضع اشیاء در مواضع خودشان به عنوان چارچوب نظری مختار، به بررسی جایگاه و اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی از سه منظر می‌پردازد؛ اول، از جنبه نظری که با ارائه تئوری‌ها به تبیین رابطه عدالت و بروز بحران‌های قومی می‌پردازند. دوم، از جنیه عینی و میدانی به نتایج پیمایش‌هایی اشاره دارد که جایگاه عدالت را در سیاست‌گذاری تنوع قومی نشان می‌دهد و سوم، از جنبه جایگاه عدالت در اسناد بالادستی مرتبط با حوزه قومی. میزان حجم این پرداختن به این موضوع نشان از اهمیت بحث عدالت در سیاست‌گذاری دارد. در گام بعد نیز دلالت‌های اتخاذ رویکرد عادلانه در سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است. بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهد دلالت‌های اصولی، هدفی، فرآیندی، سیاستی و ساختاری از اتخاذ رویکرد عادلانه در سیاست‌گذاری تنوع قومی نشئت می‌گیرند.

واژگان کلیدی

عدالت، سیاست‌گذاری، تنوع قومی، جمهوری اسلامی ایران، دلالت

* استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ، تهران، ایران j.dorakhshah@yahoo.com
** استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران(نویسنده مسئول) h.houshangi@isu.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

امروزه بیشتر کشورهای جهان از لحاظ ترکیب گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی در وضعیت ناهمگن و متنوعی هستند. عدم تجانس حاصل از تنوع قومی در کشورها، سؤالاتی اساسی درباره نحوه پاسخگویی به مسائل ناشی از این تنوع و نیز سیاست‌گذاری قومی متناسب با آن مطرح ساخته است. کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که جمعیت آن، همواره تنوع قومیتی داشته و سیاست قومی متنوعی را در دوره‌های مختلف تجربه کرده است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید با عنایت به مبانی معرفتی نظام سیاسی که ترسیم می‌کند و وضعیت تنوع قومی در ایران، اقدام به طراحی سیاست‌های مناسب در این زمینه کند. از سوی دیگر، عدالت از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری و از اساسی‌ترین موضوعات مورد بحث همه فیلسوفان و دانشمندان سیاسی از همه مکاتب بشری و الهی بوده است. در اسلام و در بین متفکران و فلاسفه اسلامی نیز عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اهمیت موضوع عدالت در ادیان الهی همین بس که خداوند در قرآن کریم هدف از بعثت انبیا را اقامه عدل در جامعه اعلام کرده(جمال‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ٦-۷) و در روایتی از امیرالمؤمنین آمده است که ثبات دولت‌ها در اجرای سنت عدل است؛ «ثبات الدول باقامه سنن العدل»(محمدی ری‌شهری، ١٤١٦، ص. ۱۵۸). رهبر معظم انقلاب نیز در تبیین جایگاه گفتمان عدالت در نظام اسلامی فرمودند: «گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و همه چیز ماست و منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت»(خامنه‌ای، ۱۳۸۳ به نقل از خواجه‌سروی، ۱۳۸٦، ص. ۱۲). به نظر می‌رسد عدالت در نظام اسلامی به‌مثابه عامل مشروعیت‌بخش به‌شمار رفته و فلسفه وجودی حکومت چیزی جز برقراری عدالت در جامعه نیست. بنابراین، عدالت باید در سیاست‌گذاری حوزه‌های مختلف نمود و بروز داشته باشد. حوزه تنوعات فرهنگی و هویتی به‌ویژه حوزه تنوع قومی یکی از حوزه‌هایی است که مقوله عدالت در آن به صورت قابل توجهی مطرح

www.SID.ir

Archive of SID

می‌شود. بر این اساس، این مقاله تلاش دارد ضمن نشان دادن اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی، دلالت‌های سیاست‌گذارانه اتخاذ رویکرد عادلانه را در این حوزه استخراج و ارائه کند. از آن جا که ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با مدیریت تنوع قومی از منظر عدالت نیازمند یک تحقیق مستقل است، این مقاله در مسیر ارزیابی میزان اجرای عدالت در عرصه عملی مدیریت تنوع قومی قرار ندارد. در نتیجه، نوآوری این مقاله می‌تواند گامی به‌سوی تدوین شاخص‌های عدالت برای ارزیابی سیاست‌های مدیریت تنوع قومی باشد. در واقع این مقاله گام اول در راستای ارزیابی سیاست‌های جمهوری اسلامی در حوزه اقوام از منظر عدالت است و تلاش دارد در زمینه جایگاه عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران و دلالت‌های آن گامی بردارد. بنابراین این مقاله تلاش دارد به این سوال پاسخ دهد که جایگاه عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ همچنین در ضمن آن، دلالت‌های سیاست‌گذارانه‌ی اتخاذ رویکرد عادلانه در تنوع قومی چیست؟

۱. چارچوب نظری تحقیق: رویکردهای مختلف به عدالت

مفهوم عدالت به دلیل پیچیدگی و گستردگی دلالت آن همواره از موضوعات مورد توجه و چالش‌برانگیز دانشمندان در طی دوره‌های مختلف بوده است؛ به‌طوری‌که هر یک سعی در تبیین این مفهوم با استفاده از دیدگاه‌های گوناگون داشته‌اند. تعاریفی که برای تبیین این مفهوم ارائه شده، عدالت را به شیوه‌های مختلف تفسیر نموده و شاخص‌ها و معیارهای مختلفی برای طراحی و سنجش آن در مقام نظر و عمل بیان کرده‌اند. این رویکردها طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد و از فلاسفه متقدم مانند افلاطون آغاز شده و تا نظریات معاصر ادامه پیدا می‌کند و ممکن است مکمل، معارض یا متباین باشند(جمال‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۷). همین امر باعث شده است تا برخی از محققین در روند مطالعات عدالت با مقسم‌های مختلف، این نظریات را طبقه‌بندی و گونه‌شناسی نمایند(تراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰). این اختلاف نظر در ارائه تعریف از

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت ریشه در تفاوت‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی صاحب‌نظران این حوزه دارد (پیغامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۹). با بررسی آرای دانشمندان در حوزه عدالت می‌توان ٤ مفهوم رایج را شناسایی کرد که همواره متناظر و ملازم عدالت بوده‌اند: مساوات[۱] ، توازن[۲]، رعایت استحقاق[۳] و وضع اشیاء در مواضع خودشان[٤](درخشه و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳).

۱،۱. رویکرد مساوات

یکی از تعاریف پرکاربرد برای عدالت، مساوات یا برابری است. این ایده از سوی طیف وسیعی از اندیشه‌ورزان به‌ویژه مارکسیست‌ها مطرح‌شده است. آنچه قائلین به این رویکرد را از یکدیگر متمایز می‌سازد، عمق و گستره برابری مدنظر آنان است که به طرح دیدگاه‌های افراطی تا متعادل در باب برابری منجر شده است(افتخاری، ۱۳۹۲، ص. ۳٦). البته باید پذیرفت که رابطه مساوات و عدالت بسیار زیاد است؛ به نحوی که «آمارتیا سن» می‌گوید: «همه اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی که درباره عدالت سخن گفته‌اند، مساوات‌طلب بوده و مساوات‌طلبی را عدالت می‌دانسته‌اند؛ اما اختلاف عمده‌ی آنان درباره‌ی پاسخ به پرسش «برابری در چه چیزی می‌باشد»، است.»(سن، ۱۳۷۹، ص. ۱۰). رویکرد مساوات بر این پایه استوار است که انسان‌ها در خلقت مساوی و برابر هستند. از این‌رو، انسان‌ها ارزش و اعتباری یکسان دارند و نباید میان آن‌ها تبعیض و تفاوت قائل شد. این دیدگاه در غرب، از افکار سیسرون آغاز می‌شود و در آرای روسو و مارکس استمرار می‌یابد(افروغ، ۱۳۹۰، ص. ۳۱). مساوات در این رویکرد، در قالب دو بعد «مساوات رویه‌ای» و «مساوات نهایی» تبیین می‌شود. در مساوات رویه‌ای، چگونگی رفتار با دیگران، اعم از رفتار فردی یا رفتار و معامله نهادهای اجتماعی با افراد، موردنظر است. در این معنا از عدالت، مراعات موازین لازم‌الرعایه درباره همه افراد، به‌طور یکسان، در تلقی عادلانه بودن نقش محوری دارد. در مساوات نهایی، وضعیت نهایی جامعه از حیث توزیع مواهب، امکانات و موقعیت‌های اجتماعی

www.SID.ir

Archive of SID

موردتوجه قرار می‌گیرد. این وضعیت خود محصول عواملی مانند مساوات رویه‌ای است. مثلاً خودِ وجود نابرابری فاحش میان دو قشر از افراد جامعه از جهت رفاه و امتیازات اجتماعی، موضوع بحث عدالت است؛ صرف‌نظر از اینکه عوامل تاریخی و رویه‌ی عملی افرادی که منجر به این امر شده‌اند، چگونه بوده است. بنابراین، وجود نابرابری‌های شدید میان اقشار جامعه در بهره‌مندی از مواهب اجتماعی، بیانگر نبود عدالت است. از این‌رو، جامعه نیازمند اصلاح و تغییر است و باید عوامل پدیدآورنده این وضعیت بررسی و بازنگری شوند(نمازی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰). فحوای قانونی و حقوقی عدالت و ملاحظات فردی مربوط به آن، بیشتر ناظر به مساوات رویه‌ای است و فحوای اجتماعی عدالت، بیشتر ناظر به مساوات نهایی است(توسلی، ۱۳۷۵، ص. ۱۱٤). درمجموع این رویکرد، موضوع عدالت را وضعیت نهایی می‌داند(نمازی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰).

در رویکرد مساوات لازم است تعیین شود که مقصود، برابری در چه اموری است و چرا انسان‌ها نسبت به این امور برابر هستند. اگر منظور از برابری، تساوی افراد در همه حوزه‌ها و شرایط باشد، به دلیل وجود تفاوت در شایستگی‌ها و استحقاق افراد، این نوع عدالت عین ظلم است. پس باید مقصود از مساوات این باشد که افراد از فرصت اولیه مساوی برای به فعلیت درآوردن استعدادها و توانایی‌های خود برخوردار باشند(توسلی، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۱-۱۲٤). بر همین مبنا متفکران اسلامی در نقد نظریات اندیشمندان لیبرال در خصوص عدالت با رویکرد مساوات‌گرایانه، بر مغالطه به‌کارگیری تشابه به‌جای تساوی در بحث حقوق زنان تأکید دارند. به‌عبارت‌دیگر رویکرد اسلامی، مسئله مساوات را در شرایط برابر مانند حقوق انسانی افراد فارغ از جنسیت، نژاد و رنگ خاص مورد پذیرش قرار می‌دهد و مشابه دانستن حقوق افراد را در حالت نابرابر عین ظلم می‌داند. استاد مطهری در این زمینه بیان می‌کند: «تساوی غیر از تشابه است. تساوی برابری است و تشابه، یک‌نواختی. ممکن است پدری ثروت خود را به‌طور

www.SID.ir

Archive of SID

مساوی (از جهت ارزشی) میان فرزندان خود تقسیم کند؛ اما به‌طور متشابه تقسیم نکند. مثلاً ممکن است این پدر چند قلم ثروت داشته باشد. هم تجارت‌خانه داشته باشد و هم ملک مزروعی و هم مستغلات تجاری؛ ولی نظر به اینکه قبلاً فرزندان خود را استعدادیابی کرده، در یکی ذوق و سلیقه تجارت دیده است و در دیگری علاقه به کشاورزی و در سومی مستغل‌داری، هنگامی که می‌خواهد ثروت خود را تقسیم کند، با در نظرگرفتن اینکه آنچه به همه فرزندان می‌دهد از لحاظ ارزش مساوی با یکدیگر باشد و ترجیح و امتیازی از این جهت در کار نباشد، به هرکدام از فرزندان خود همان سرمایه را می‌دهد که قبلاً آزمایش استعدادیابی آن را مناسب یافته است»(مطهری، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۲).

لازم به ذکر است در آثار نظریه‌پردازان دوران جدید در غرب، برداشت خاصی راجع به اصل برابری دیده می‌شود که از برداشت‌های سنتی فاصله گرفته است. در رویکرد جدید، خواسته‌ها، قضاوت‌ها و ادعاهای افراد همگی دارای اهمیت و ارزش اخلاقی یکسان است و کسی حق ندارد برداشت‌های شخصی خود راجع به زندگی خوب، جامعه ایده‌آل و رفتار صحیح را به برداشت‌های دیگران مقدم و بر آن‌ها تحمیل کند. از این ایده تحت عنوان اصل ارزش برابر یاد می‌شود. طبق این ایده، افراد جامعه هر یک فاعل، مسئول، خودمختار، صاحب ادعاهای معتبر و دارای ارزش یکسان با یکدیگر هستند؛ اما به دلیل زندگی جمعی و تلاقی رفتار افراد در سطح جامعه و لزوم حفظ نظم در مناسبات اجتماعی، ضروری است با رعایت «اصل حفظ آزادی و برابری افراد» و مراعات «اصل ارزش برابر»، بر سر معیارها و اصولی به اجماع و توافق برسند تا عمل بر اساس توافق، رفتار و عملکرد عادلانه باشد. بنابراین عدالت چیزی جز مراعات اصل ارزش برابر در فرآیند توافق بر سر موازین مربوط به مناسبات و ترتیبات اجتماعی نیست(توسلی، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۸-۱۳۰).

www.SID.ir

Archive of SID

۲،۱. رویکرد توازن

تعریف عدالت بر مبنای مفهوم توازن یکی دیگر از مفاهیم متناظر با عدالت است. وقتی صحبت از توازن می‌شود، وجود مجموعه‌ای با اجزاء مرتبط با یکدیگر و یک ارتباط نسبتاً متناسب با هم تصویرسازی می‌شود. در ضمن توازن زمانی معنا پیدا می‌کند که اجزای یک مجموعه دارای سطحی از اختلاف باشند. در واقع توازن زمانی قابل فهم است که اختلافی میان اجزا قابل فرض باشد و هم‌پوشانی اجزای گوناگون مجموعه و جبران کاستی‌ها آنان با یکدیگر امکان داشته باشد(درخشه و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳). این تعبیر را استاد مطهری این گونه بیان کرده است: «اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزا و ابعاد مختلفی به‌کار رفته و هدف خاصی از آن منظور است، باید شرایط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزا با یکدیگر رعایت شود. تنها در این صورت است که آن مجموعه می‌تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را بدهد و نقش منظور را ایفا کند. مثلاً یک اجتماع اگر بخواهد باقی و برقرار بماند، باید متعادل باشد؛ یعنی هر چیزی در آن به قدر لازم (نه به قدر مساوی) وجود داشته باشد. یک اجتماع متعادل به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضائی و تربیتی احتیاج دارد. این کارها باید میان افراد تقسیم شود و برای هرکدام از آن کارها به آن اندازه که لازم و ضروری است، افراد گماشته شود. از جهت تعادل اجتماعی، آنچه ضروری است این است که میزان احتیاجات در نظر گرفته شود و متناسب با آن احتیاجات، بودجه و نیرو مصرف شود(مطهری،۱۳۹۲، صص. ٥٤-٥٦). بنابراین وضعیت متوازن به معنای تساوی و برابری نیست و هدف از آن، رفع کامل نابرابری‌ها و نیل به برابری نیست؛ بلکه تنها برخی نابرابری‌ها موجه و معقول‌اند. به‌عبارت‌دیگر، عنوان «توازن» جنبه صوری مسئله را بیان می‌کند و معیارها و ملاک‌هایی لازم است تا ماهیت وضعیت توازن را بیان کند. بنابراین، یکی از نکات کلیدی در مبحث توازن این است که بر اساس چه ملاک و معیاری یک وضعیت را نامتوازن و

www.SID.ir

Archive of SID

وضعیت دیگری را متوازن تشخیص می‌دهیم؟ نکته‌ی مهم این است که ایده‌ی توازن برای اینکه بتواند عدالت را تعریف کند، باید ضمن ارائه ملاکی از توازن، توجیهی روشن و ادله‌ای توضیح‌دهنده برای وضعیتی داشته باشد که به‌منزله توازن شناسایی می‌کند، همچنین تبیین کند که چرا برقراری وضعیت عادلانه، متوقف بر تحقق توازن است.

جهت‌گیری نظریات مبتنی بر ایده توازن، در پاسخ به این سؤالات یکسان نیست. جمع‌گرایان مانند سوسیالیست‌ها، خواه برای فرد اصالت قائل باشند یا نباشند، وضعیت مطلوب را در سلامت کلیت نظام می‌دانند و بهره‌مندی‌های فردی را هم اگر مهم بدانند اما به مصلحت نظام کل توجه ویژه دارند. فردگرایان این ملاک را بر پایه‌ی آنچه اقتضای زندگی اجتماعی در نیل بهتر افراد به اهداف‌شان، اعم از آزادی‌های فردی یا سود و لذت بیشتر است، تعریف می‌کنند. از نظر آنان، هرگونه تغییری که این اهداف را بهتر تأمین کند، حرکت در جهت توازن خواهد بود و هر حرکتی که در خلاف جهت مذکور باشد، توازن را مختل می‌سازد(نمازی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۳). برخی نیز در قضاوت درباره اینکه توازن برقرار شده است یا خیر، نگاه به گذشته دارند؛ یعنی، یا به میزان تلاش و مشارکت یا تحمل مشقت توسط افراد توجه دارند یا نابه‌سامانی توزیع فعلی سودها و ضررها را که باید اصلاح شود، مورد ملاحظه قرار می‌دهند. برخی نیز نگاه به آینده دارند و سودمندی‌ها یا آرمان‌های مترتب بر تصمیمات را ملاک قرار می‌دهند؛ نمونه بارز این رویکرد در غرب، نظریه فایده‌گرایان[٦] است. برخی دیگر بر توازن قراردادی تأکید دارند. بر اساس دیدگاه این دسته، نمی‌توان نزد خود معیاری کلی برای تشخیص عدالت تعیین کرد. هر برداشتی که ما در این زمینه داشته باشیم، یک برداشت شخصی است و معیار حق یا باطل بودن گزینش‌های اجتماعی و عادلانه یا ناعادلانه بودن آن‌ها، قرارداد و توافق عمومی یا طرفینی است(توسلی، ۱۳۷۵، صص. ۱۳۸-۱٤٥).

www.SID.ir

Archive of SID

از اساسی‌ترین ایرادات وارد بر رویکرد توازن، عدم برخورداری از جامعیت لازم برای تفسیر همه موارد تطبیق عدالت است. مثلاً وقتی می‌گوییم افراد باید در رفتار فردی خویش مراقب حقوق اشخاص دیگر باشند، در اموال آن‌ها بدون اجازه تصرف نکنند و مزاحمت برایشان ایجاد ننمایند، بیان موارد عدالت در قالب ایده توازن، بسیار مشکل خواهد بود. به‌طور کلی، در مواردی که پای مقایسه میان اشخاص یا مقایسه اجرت با کار یا مقایسه کیفر با جرم در کار نیست، تطبیق ایده توازن، مشکل است. این ایده مانند ایده مساوات، با فحوای توزیعی عدالت مناسبت دارد؛ یعنی مواردی که پای «توزیع برخی امور» و «مسئله متناسب بودن برخورد ما با افراد در مقایسه آن‌ها با یکدیگر یا متناسب بودن آنچه به افراد می‌دهیم با آنچه آن‌ها انجام داده‌اند یا سزاوار آن هستند»، در میان است. همچنین در جایی که «وضعیت نهایی بهره‌مندی‌ها و برخورداری‌های افراد را در مقایسه با یکدیگر می‌سنجیم» یا وقتی«کارکردهای نهادهای اجتماعی را از این نظر ملاحظه می‌کنیم» نیز همین‌طور است؛ اما مسئله این است که در عدالت، همیشه تناسب ناشی از مقایسه برخی امور یا اشخاص ملاک نیست. به‌طور مثال اگر میزان مجازات مجرم را همانند فایده‌گرایان، متناسب با میزان ضرری که به واسطه تخلف به جامعه وارد ساخته یا میزان سودی که متخلف از ارتکاب تخلف عاید خود نموده است، در نظر بگیریم، در عمل معضلات زیادی پیش رو خواهیم داشت؛ مثلاً در مواردی که سود و زیان مادی در کار نیست و کمّی کردن مسئله مشکل خواهد بود. همین‌طور در مواردی که نوع مجازات و میزان آن بیشتر متکی به اهداف غایت‌مندانه است. مانند اینکه برای یک دزدی کوچک و کم‌ارزش از بیت‌المال، به خاطر جلوگیری از رواج آن، مجازات سنگینی تعیین می‌شود(توسلی، ۱۳۷۵، ص. ۱٤٦). بنابراین رویکرد توازن، یک رویکرد جامع برای تبیین تمام وضعیت‌های متصور نیست.

www.SID.ir

Archive of SID

۳،۱. رویکرد رعایت استحقاق

رعایت استحقاق یعنی؛ «رفتار با افراد بر حسب شایستگی آن‌ها و برخورد با افراد مطابق با آن چیزی که سزاوار آن هستند». در این تعریف، شایستگی خصوصیتی مربوط به فرد است نه اینکه وصف رفتار ما با او باشد. به‌عبارت‌دیگر عدالت، مراعات شایستگی‌های فردی در مقام اعطای پاداش، کیفر، تشویق، تنبیه، توزیع خیرات و مضرات اجتماعی است. این تعریف می‌تواند هم عرض تعریف عدالت به‌مثابه نفی تبعیض باشد؛ زیرا زمانی که هر اعطایی بدون توجه به شایستگی‌ها و استحقاق شکل بگیرد، مصداق ظلم و تبعیض بوده و حرکت در مسیر استحقاق‌ها نفی این وضعیت، یعنی نفی تبعیض خواهد بود(درخشه، ۱۳۸۷، صص. ۷۱-۷٦؛ درخشه، ۱۳۸٦، ص. ۱۸).

در این رویکرد، عدالت یعنی رفتار با افراد بر حسب شایستگی آن‌ها و برخورد با افراد مطابق با آن چیزی که سزاوار آن هستند. در این رویکرد، شایستگی خصوصیتی مربوط به فرد است نه وصف رفتار ما با او. به‌عبارت‌دیگر، این رویکرد، با رفتار شایسته و سزاوار با دیگران متفاوت است. در رویکرد مراعات شایستگی، افراد از یک سلسله لیاقت‌ها و شایستگی‌ها برخوردار هستند و ویژگی‌های فردی معینی دارند که در مقایسه با دیگران، هر یک سزاوار رفتار و برخوردی خاص هستند. بنابراین، عدالت یعنی مراعات همین شایستگی‌های فردی در مقام اعطای پاداش، کیفر، تشویق، تنبیه، توزیع خیرات و مضرات اجتماعی. همانند رویکرد اعطای حقوق، برای فهم بهتر این رویکرد باید مقصود از شایستگی و موارد تطبیق آن تبیین شود. در اینجا لازم است به تفاوت شایستگی و ذی‌حق بودن توجه کرد. حق، اختیاری برای صاحبش است که صلاحیت او برای اِعمال این اختیار یا وادار کردن دیگران به مراعات مقتضیات آن به رسمیت شناخته شود؛ اما شایستگی صرفاً مفهومی منتزع از یک رشته خصوصیات در فرد است که اقتضای طرز برخوردی خاص را از طرف ما دارد؛ یعنی موضوع یک قید ارزشی برای رفتار دیگران یا یک وظیفه برای دیگران است. پس شایستگی، یک حکم است نه

www.SID.ir

Archive of SID

یک حق. در یک نگاه، نیازها، استعدادها، استحقاق‌ها و محرومیت‌ها می‌توانند فرد را شایسته و سزاوار امری خاص کنند و از این طریق به عدالت مربوط شوند. یک طرز تلقی محدودتر از شایستگی این است که عوامل قهری و غیراختیاری، موجب سزاوار بودن فرد نسبت به چیزی نمی‌شوند بلکه فقط هنگامی که خود شخص به نحوی در پیدایش آن شایستگی مثبت یا منفی نقش داشته باشد، سزاوار آن به حساب می‌آید. یکی از مشکلات فراروی این رویکرد، معضل اندازه‌گیری میزان شایستگی است. در این رویکرد برای تعیین آنچه افراد سزاوار آن هستند، چه بنا باشد میزان تلاش افراد را بسنجیم، چه بنا باشد میزان مطلوبیت و مرغوبیت نتایج حاصل از تلاش آنان را محاسبه کنیم، با مشکل فقدان معیار اندازه‌گیری مشترک مواجه هستیم(توسلی، ۱۳۷۵، صص. ۸۹-۹۸). ایرادات دیگری هم بر این رویکرد در عرصه اجرا و عمل وارد است که از ذکر آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم. درمجموع این رویکرد توانایی پاسخگویی به لزوم اجرای عدالت در سطح جامعه را ندارد؛ زیرا اشکالات وارد بر این رویکرد، مانع از امکان به‌کارگیری آن در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مصادیق مختلف آنها می‌شود.

٤,١. رویکرد وضع اشیاء در مواضع خود (وضع کل شی فی موضعه)

تعبیر قرار دادن هر چیز در موضع خود یک معنای وسیع و عام است که می‌تواند طیف گسترده‌ای از حوزه‌ها اعم از اشیاء حقیقی، افراد، نهادها، قوانین و به‌صورت کلی‌تر تجویزها را شامل شود. این مفهوم در متون دینی در روایاتی از امام علی(ع) نیز دیده می‌شود. ایشان می‌فرمایند: العدل یضع الامور مواضعها (حکمت ٤٢٩ نهج‌البلاغه). این تعبیر از عدالت می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد جامع که تمامی حوزه‌ها و شرایط متصور را پوشش می‌دهد، قابل طرح باشد(درخشه، ١٣٨٦، ص. ١٧). هر تعریفی که اندیشمندان حوزه عدالت از عدالت ارائه کرده‌اند، اعم از کسانی که صریح بر این تعریف یا غیر آنها تمرکز داشته‌اند، در عمق خود به این تعریف بازمی‌گردد. بر این اساس، چگونگی ایجاد توازن میان اجزای یک مجموعه در «رویکرد توازن»، تعیین

www.SID.ir

Archive of SID

حقوق و اصول حاکم بر اعطای حقوق به‌ویژه زمان تعارض میان دو حق در «رویکرد رعایت استحقاق‌ها» و تعیین نوع و شکل برابری معتبر و مواضع اِعمال برابری در «رویکرد مساوات» به تعریف عدالت بر مبنای قرار دادن هر چیزی در موضع خود بازمی‌گردد(درخشه و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). بنابراین، این رویکرد می‌تواند رویکرد مناسبی برای سیاست‌گذاری محسوب شود.

۲. روش تحقیق

این تحقیق نیازمند بررسی منابع مکتوب و اسناد مصوب مرتبط در حوزه سیاست‌گذاری هویتی و قومی است. بنابراین، روش تحقیق منتخب، روش اسنادی خواهد بود که با مطالعه منابع، مطالب مورد نیاز استخراج، با یک دسته‌بندی مشخص و بر اساس اهداف تحقیق ارائه خواهند شد.

۳. جایگاه و اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی

سیاست‌گذاری به طور عام و سیاست‌گذاری تنوع قومی به‌طور خاص یک امر ارزش‌مدارانه است. عدالت نیز یکی از ارزش‌های نظام سیاسی و جامعه محسوب می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری باید مبتنی بر عدالت باشد. اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی را می‌توان از ۳ منظر بررسی کرد؛ اول از جنبه نظری، دوم از جنبه عینی و میدانی و سوم از جنبه جایگاه عدالت در اسناد بالادستی مرتبط با حوزه قومی.

۱،۳. جایگاه و اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی از جنبه نظری

از جنبه نظری، بررسی نظریه‌ها در این خصوص نشان می‌دهد احساس تبعیض و بی‌عدالتی در شکل‌گیری بحران‌های قومی بسیار موثر هستند. به‌طور مثال به چند نظریه در این‌باره اشاره می‌شود:

- نظریه «مبادله» پیتر بلا: پیتر بلا با طرح مفاهیم «عدالت توزیعی» و «نرخ مبادله میان گروه‌ها» تحلیل خود را از «سطح تبیین کنش افراد» به «سطح تبیین ساختارهای

www.SID.ir

Archive of SID

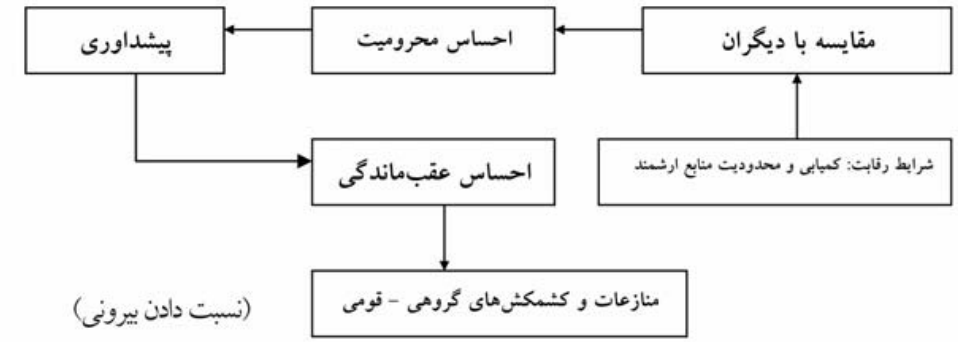
اجتماعی» ارتقاء داده است. او به بحث درباره طبیعت نامتعادل مبادله می‌پردازد و از طریق مبادله‌های نابرابر و مفهوم مشروعیت، راه خود را به سمت تبیین ساختاری می‌گشاید. وی معتقد است یک ساختار اجتماعی مشروع از پذیرش عمومی اعضای خود برخوردار است و تا زمانی‌که واجد این مشروعیت است، به حیات خود ادامه می‌دهد. بلا با ارائه دو متغیر ارزش ذاتی و عرضی و دو سویه بودن یا نبودن آن‌ها، امکان پیش‌بینی انواع نتایج احتمالی روابط مبادله را فراهم می‌کند. او از طریق مفاهیم تئوری مبادله، به موضوع پیوستگی‌های گروهی می‌پردازد و معتقد است روابط ساختاری حاصل از مبادله میان اعضای یک جامعه می‌تواند یکپارچگی آن‌ها را تقویت کند یا برعکس، عدم شکل‌گیری و تحقق مبادله بر اساس عدالت توزیعی به نارضایتی سیاسی، اجتماعی، شورش و بحران منجر شود(قیصری، ۱۳۸٦، ص. ۲۵).

❖ نظریه «محرومیت نسبی و نسبت دادن»[۷] رانی مان و هوندریش: بر اساس این نظریه در صورت کمیابی و محدودیت منابع بین افراد و گروه‌های اجتماعی برای دستیابی به منابع، رقابت به وجود می‌آید. چنانچه فرد یا گروه به یک وسیله ارضای نیاز تمایل یا احتیاج پیدا و احساس کند یا ببیند که دیگران (افراد یا گروه‌ها) به آن دست یافته‌اند و او با وجودی که به آن میل دارد، امکان دستیابی به آن را ندارد، احساس بی‌عدالتی یا محرومیت نسبی خواهد کرد. چنین احساس عقب‌ماندگی از دیگران که در مقایسه وضعیت فرد یا گروه با سایرین به وجود می‌آید در سطح فردی موجب پیدایش بغض، حسادت و دیگر واکنش‌های عاطفی علیه فرد یا گروه رقیب شده و در سطح اجتماعی سبب تشدید تضادهای بین گروهی می‌شود. بر اساس نظریه نسبت دادن، مشارکت‌کنندگان در موقعیت‌های بین شخصی اغلب دلایل رفتار فرد را به عوامل موقعیتی از جمله رفتار دیگر مشارکت‌کنندگان نسبت می‌دهند حال آنکه مشاهده‌گران خارجی همان رفتار را به خصوصیت‌های شخصی مشارکت‌کننده نسبت می‌دهند. بنابراین در شرایط رقابت اجتماعی افراد درصدد برخواهند آمد که علل عقب‌ماندگی

www.SID.ir

Archive of SID

خود را بیشتر به عوامل بیرون از موقعیت خود منتسب نمایند. در این معنا پیش‌داوری اجتماعی نسبت به گروه مورد مقایسه نوعی نسبت دادن بیرونی برای احساس عقب‌ماندگی تلقی می‌شود. یعنی در وضعیت مقایسه و رقابت بین‌شخصی و بین‌گروهی، پیش‌داوری‌ها دلایل بیرونی (نه لزوماً معقول) هستند که افراد برای توجیه عقب‌ماندگی خود اختیار می‌کنند و تبعاً این‌گونه نسبت دادن در شرایطی که تصویب اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد ـیعنی به هنجار تبدیل شده باشدـ رواج بیشتری خواهد یافت. نتیجه اینکه هر چه احساس محرومیت نسبی در شخص شدیدتر باشد، احتمال بروز پیش‌داوری نسبت به فرد یا گروه مورد مقایسه در او بیشتر خواهد شد و در نهایت این پیش‌داوری‌ها به منازعات بین گروهی منجر می‌شود(قیصری، ۱۳۸٦، صص. ۲۵-۲٦).



نمودار(۱): ارتباط متغیرها در نظریه نسبت دادن و احساس محرومیت نسبی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

❖ نظریه «تبعیضات قومی» گوبوگلو: یکی از رهیافت‌های نظری در تحلیل و تبیین درگیری‌های قومی که میان اندیشمندان روسی و اروپایی از جایگاه بالایی برخوردار است، نظریه گوبوگلو[۸] است. براساس این نظریه، خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی- اجتماعی قابل بررسی است. گوبوگلو بیشترین توجه خود را به عناصر و عوامل قومی یا دسته‌بندی اجتماعی،

www.SID.ir

Archive of SID

تقسیمات کاری و طبقه‌بندی اجتماعی معطوف کرده است. وی پدیده غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی از سوی گروه قومی مسلط، همچنین تأثیر تبعیض اجتماعی براساس ویژگی‌های قومی را به‌عنوان کشف‌های عمده خود در نظر می‌گیرد و معتقد است این تفاوت‌های اساسی اجتماعی و قومی، قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قومی پیدا می‌کنند(صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۲).

❖ نظریه «تعصب، پیش‌داوری و بروز خشونت‌های قومی» دیوید مایر: این نظریه‌پرداز در یک نظریه ترکیبی برای تبیین و علت‌یابی تعصب قومی به سه دسته از عوامل یا منابع تعصب اشاره می‌کند. نابرابری‌های اجتماعی یکی از آنهاست که مایر این اصل را در آن مطرح می‌کند: «نابرابری در منزلت به وجود آورنده تعصب است. تعصب و تبعیض یکدیگر را تقویت می‌کنند. تبعیض تعصب را تولید می‌کند و تعصب به تبعیض مشروعیت می‌بخشد و موجب احساس تنفر از گروه حاکم و پرخاش‌گری علیه آنان می‌شود(قیصری، ۱۳۸٦، ص. ۲۷). بر همین اساس است که بروس بنسون[9] اظهار داشته است تبعیض[10] را باید عامل اساسی فروپاشی نظام‌های حقوقی به شمار آورد. تبعیض با نفوذ به درون نظام سیاسی-اجتماعی و از بین بردن اخلاق رابطه[11] زمینه مناسب را برای تبدیل شدن نارضایتی به عمل اجتماعی فراهم می‌آورد. به همین دلیل است که آل‌پورت[12] در بحث از شاخصه‌های احساس اقلیت، نخست بر روی تبعیض تأکید می‌ورزد و از آن به مثابه اصل اجماعی احساس اقلیت یاد می‌کند که کلیه محققان این حوزه بر آن اتفاق‌نظر دارند(افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۲). لاپیر[13] و همکاران نیز در گزارش مربوط به وضعیت اقلیت‌ها بر این باور هستند که تبعیض به علت آنکه نوعی رفتار عینی است، می‌تواند بهترین شاخص برای شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری احساس اقلیت در جوامع مختلف باشد. تبعیض به مثابه یک رفتار (سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی) عینی به‌عنوان شاخص اصلی تبدیل گروه دینی به اقلیت دینی (و همچنین

www.SID.ir

Archive of SID

گروه قومی به اقلیت قومی) پذیرفته می‌شود(افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۷). می‌توان گفت بر اساس این نظریه با وجود تبعیض، گروه‌های دینی و قومی، انگیزه لازم را برای بازتعریف خویش در قالب یک اقلیت دینی و قومی می‌یابند و صرف وجود تفاوت نمی‌تواند دلیلی برای پیدایش احساس اقلیت در جامعه باشد بلکه تبدیل شدن این اختلاف به تبعیض است که به تعبیر دیوید گلدبرگ[۱۴] فرهنگ اجتماعی را دچار آسیب ساخته و درنتیجه گروه‌های در اقلیت قرار گرفته را به واکنش وا می‌دارد(افتخاری،۱۳۸۳، صص. ۱۲۹-۱۳۰).

در نقطه مقابل نظریات مرتبط با تأثیر تبعیض و بی‌عدالتی بر بروز بحران‌های قومی، نظریاتی وجود دارد که بر جایگاه و تاثیر عدالت بر فرآیند ملت‌سازی تاکید دارند. در نظریه سیاست‌گذاری اجتماعی به عنوان یکی از مدل‌های مدیریت تنوعات، ارتقای سرمایه اجتماعی و ایجاد همبستگی اجتماعی و هویت جمعی با فرآیند هویت‌سازی ملی از طریق تحقق عدالت، برابری و حذف نابرابری‌های ساختاری ارتباط مستقیمی پیدا می‌کند و موجب پیدایش و تحکیم آن می‌شود. در واقع در این نظریه، فراگرد ملت‌سازی و انسجام اجتماعی به‌شدت تحت تأثیر میزان رعایت عدالت قرار دارد. مراتب برخورداری از عدالت، ادراک عدالت در زمان حال و امید به تحقق عدالت در آینده سه عنصر تعیین‌کننده عدالت اجتماعی و تضمین کننده ملت‌سازی پایدار به‌شمار می‌روند و هر چه وضعیت عدل پایدارتر می‌شود، امکان برنامه‌ریزی و امید به آینده افزوده می‌شود و علاقه مردم و گروه‌ها به حفظ وضع موجود و ممانعت از بحران‌های اجتماعی افزایش می‌یابد(کریمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ٤۱). برخی از محققین نیز عدالت را علت تامه در فرآیند ملت‌سازی معرفی می‌کنند. آنها معتقد هستند بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد عوامل ملت‌ساز مانند سرزمین، زبان، مذهب، تاریخ، ایدئولوژی و نژاد مشترک نتوانسته‌اند به‌طور مطلق باعث شکل‌گیری یک ملت شوند بلکه ملت‌سازی زمانی پایدار می‌شود که توسعه ملت بر محور عدالت اجتماعی و بر

www.SID.ir

Archive of SID

مبنای عوامل مؤثر بر ملت‌سازی نظیر سرزمین، زبان، مذهب و ایدئولوژی صورت گیرد به گونه‌ای که این عوامل با عدالت عجین شده باشند (پورعزت،۱۳۹۱، ص. ۸). به نظر می‌رسد چه عدالت بخش مهمی از روند سیاست‌گذاری مدیریت تنوعات و چه علت تامه فرآیند ملت‌سازی باشد، نشان از اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری برای مدیریت تنوع قومی و نیل به سوی ملت‌سازی پایدار دارد.

۲،۳. جایگاه و اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی از جنبه عینی

از جنبه عینی بررسی پژوهش‌های میدانی مربوط به حوزه اقوام ایرانی نیز موید اهمیت و جایگاه عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی است. یک پژوهش میدانی نشان می‌دهد بر اساس مدل استخراج شده از نظریات تد رابرت گر، نقش تبعیض و بی‌عدالتی در بروز بحران‌های قومی منحصربه‌فرد است. بدین شکل که احساس تبعیض باعث افزایش انتظارات ارزشی افراد جامعه قومی و بعد افزایش احساس محرومیت نسبی می‌شود. افزایش این دو عامل نیز منجر به تقویت هویت قومی و در نهایت خشونت سیاسی می‌شود(نواح و دیگران، ۱۳۸٦). در پژوهش‌های مشابه، میزان احساس عدالت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در احساس همدلی اقوام با جامعه ملی و بالتبع تقویت هویت ملی است(جلایی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸) و عدم احساس عدالت در میان افراد، باعث ناامیدی نسبت به آینده و عدم اطمینان از تحقق اهداف و خواسته‌های آنان می‌شود. این روند در صورت تداوم می‌تواند به تضعیف هویت ملی و رشد گرایش‌های افراطی قومی شود. در واقع عدالت در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، منزلتی و اقتصادی) رابطه معناداری با هویت ملی دارد(نوابخش و دیگران، ۱۳۹۰). در ضمن احساس تبعیض و محرومیت با «احساس شهروند درجه دو بودن» و «اقلیت بودن» ارتباط مستقیمی دارد. پیمایش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که احساس تبعیض (یا نقطه مقابل آن احساس عدالت) در میان اقوام ایرانی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. به‌طور نمونه مسئله احساس عدالت در پیمایش هویت جمعی ایرانیان به

www.SID.ir

Archive of SID

شرح ذیل است:

جدول(۱): سنجش احساس عدالت در مراکز استان‌های دارای تنوع قومی

مرکز استان / گویه‌های احساس عدالت[۱۵]		ارومیه	اهواز	تبریز	زاهدان	سنندج	کرمانشاه
احساس عدالت قانونی	قوانین جاری کشور نمی‌تواند حق و حقوق مردم را تضمین کند.	۳٦,٤	٥۰,۹	٤۹,۳	٤۳,٦	٤٥,۷	٤٥,۷
احساس عدالت جنسیتی	در جامعه ما امکان پیشرفت برای مردها بیشتر از زن‌ها وجود دارد.	٥٦,٦	٥٦,٦	٥۹,۲	٥۱,۸	٥۲,۲	٥٤,۷
احساس عدالت محلی	در ایران همه اقوام و شهروندان از حقوق برابر و یکسان برخوردارند.	٦۱,۲	٤۸,۸	٤۲,۷	٦۱,۲	۳٤,۸	٤۳,۱
احساس عدالت توزیعی	در استخدام‌های دولتی، همه شهروندان شانس و فرصت یکسان و برابر دارند.	۲٦,۲	٤۹,٤	۲۸,۲	٤۷,۲	۲٦	۲۱
	بودجه و اعتبارات رفاهی و عمرانی عادلانه در کشور، استان‌ها و شهرستان‌ها توزیع نمی‌شود[۱٦].	٤۰,۸	۳٤	۳۱,۱	٤۱,٦	۳۰,٦	۲۱,۸
میانگین احساس عدالت		٤٤,۲٤	٤۷,۹٤	٤۲,۱	٤۹,۰۸	۳۷,۸٦	۳۷,۲٦

منبع: (یافته‌های تحقیق)

سطح پایین احساس عدالت در میان اقوام ایرانی، نشان از اهمیت و جایگاه این

www.SID.ir

Archive of SID

مقوله در سیاست‌گذاری تنوع قومی دارد. از سوی دیگر تحلیل محتوای رسانه‌های فعال در حوزه اقوام به‌ویژه رسانه‌های گروه‌های افراطی قومی تلاش جدی آنان را برای القای احساس تبعیض و محرومیت میان اقوام ایرانی نشان می‌دهد(هوشنگی، ۱۳۹٦، ص. ۱۰۵).

٤. جایگاه عدالت در اسناد بالادستی مرتبط با مدیریت تنوع قومی

مقوله عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و به نوعی عامل مشروعیت‌بخش به نظام شناخته می‌شود. طبیعی است رسیدن به نقطه مطلوب در حوزه عدالت، نیازمند توجه به این مقوله در سیاست‌گذاری‌هاست. رهبر معظم انقلاب در این زمینه بیان می‌فرمایند: «برنامه‌ریزی و سیاستگذاری که عدالت و توزیع عادلانه‌ی ثروت را در جامعه نادیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تامین کند و برنامه‌ی مطلوب ما نیست»(۸۲/۵/۱۵). بنابراین سیاست‌گذاری‌ها بدون توجه به عدالت، در رسیدن به اهداف توفیق نخواهند داشت. اسناد بالادستی نظام نیز که بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌ها در جمهوری اسلامی ایران است، باید حائز این امر مهم باشند. در این قسمت به برخی از مصادیق رویکرد عادلانه در اسناد بالادستی که به مباحث سیاست‌گذاری تنوع قومی در ایران مرتبط است، اشاره می‌شود. شایان ذکر است تمرکز در این استخراج بر رویکرد مختار این مقاله از عدالت یعنی «رویکرد وضع الشی فی موضعه» خواهد بود:

- تأکید بر برابری حقوق آحاد مردم ایران فارغ از قوم، زبان و نژاد: اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردار هستند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». همچنین یکی از مبانی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران «همانندی و برابری انسان‌ها در آفرینش و عدم تمایز بین رنگ‌ها، نژادها و صنوف دیگر انسانی» (اصول سیاست فرهنگی کشور) است.

www.SID.ir

Archive of SID

❖ پذیرش تنوع قومی و مذهبی در کشور در اسناد مختلف به‌ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(اصول ۱۵ و ۱۲ قانون اساسی).

❖ تأکید بر تحقق عدالت اجتماعی در اغلب برنامه‌های توسعه ۵ ساله کشور به‌ویژه در مناطق دارای تنوع قومی(عمدتاً مرزی): در برنامه‌های توسعه کشور عدم تعادل‌های منطقه‌ای یکی از موانع تحقق عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده است. بنابراین بر رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای برای نیل به تحقق عدالت اجتماعی تأکید شده است(به‌طور نمونه بند ۱۲ ماده ۱ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه و تبصره ٦ برنامه اول توسعه). همچنین تأکید بر توسعه مناطق محروم که بخشی از مناطق دارای تنوع قومی، جزئی از آن محسوب می‌شوند و در مواردی نیز تبعیض مثبت به نفع این مناطق در این راستا مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. به‌طور مثال، برنامه پنجم توسعه بر گسترش عدالت اجتماعی از طرق مختلف ازجمله «اقدامات لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌های حاصل از دوران‌های تاریخی گذشته» (بند ۳۵ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه) تأکید داشته است.

❖ تأکید بر وظیفه دولت جمهوری اسلامی برای رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی(بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی).

❖ رعایت اصل شایسته‌سالاری: یکی از وجوه رویکرد عادلانه در اسناد بالادستی، توجه به شایستگی‌ها و لیاقت‌های فردی در انتصاب و به‌کارگیری افراد در مناصب مختلف و اشتغال آنان است. این موضوع در اسناد مختلف مورد توجه بوده است؛ به‌نحوی‌که دولت در برنامه دوم توسعه، به تعیین نظام انتصاب مدیران لایق، متخصص، امین و متعهد مکلف (تبصره ۳۲ برنامه دوم توسعه) و در برنامه چهارم توسعه بر شایسته‌سالاری در انتصاب‌ها و به‌کارگیری نیروها (ماده ۱٤۱ برنامه چهارم توسعه)

www.SID.ir

Archive of SID

تأکید شده است.

❖ وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی (بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی)، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور (بند ٦-۲ سیاست‌های کلی علم و فناوری) و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی (اصل ۳۰ قانون اساسی) آموزش پیش‌دبستانی و آمادگی به‌ویژه در مناطق دوزبانه(بند س ماده ۵۲ برنامه چهارم توسعه).

❖ حفظ و جذب جمعیت در مناطق مرزی از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب‌وکار با درآمد کافی(بند ۱۰ سیاست‌های کلی جمعیت).

❖ توجه به فرهنگ و زبان اقوام ایرانی در کنار فرهنگ ملی و زبان رسمی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن معرفی زبان فارسی به عنوان زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران بر استفاده آزادانه از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی تأکید نموده است(اصل ۱۵ قانون اساسی). بر همین مبنا ماده ۱۹ بند ج برنامه پنجم توسعه بیان می‌دارد: «آموزش‌وپرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل ۱۵ قانون اساسی گویش محلی و ادبیات بومی را در مدارس تقویت نماید.» از سوی دیگر تکریم نخبگان و بزرگان اقوام و صیانت از فرهنگ آنان به‌عنوان جزئی از فرهنگ ملی نیز مورد تأکید است. برای نمونه، دولت در ماده ۱۰۹ برنامه چهارم توسعه موظف شده است به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی اقداماتی مانند موارد ذیل را انجام دهد:

✓ بررسی و گردآوری نظام‌یافته تاریخ شفاهی، گویش‌ها و لهجه‌ها، آداب و

www.SID.ir

Archive of SID

رسوم عناصر فرهنگ ملی و بومی

✓ تقویت تعامل فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی با فرهنگ و میراث معنوی ملی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگ بومی در سطح ملی با رویکرد تحکیم وحدت ملی به‌ویژه در نظام آموزشی کشور، رسانه‌ها و تولید محصولات فرهنگی و هنری

البته باید توجه نمود که به دلیل اهمیت همبستگی و وحدت ملی در این اسناد، بر لزوم تعمیق و تقویت تعهد اقوام در برابر هویت ملی تأکید شده است (بند ۲۱ اصول سیاست فرهنگی کشور). به عبارت دیگر از نظر اسناد بالادستی تقویت فرهنگ اقوام نباید با فرهنگ ملی تعارض پیدا کند.

۵. دلالت‌های اتخاذ رویکرد عادلانه در سیاست‌گذاری تنوع قومی

اتخاذ رویکرد عادلانه در سیاست‌گذاری تنوع قومی بر حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری اثرگذار است. عدالت علاوه بر اینکه خود جزئی از اصول حاکم بر سیاست‌گذاری شمرده می‌شود، بر اهداف، فرآیندها و محتوای سیاست‌گذاری و ساختار اجرای سیاست‌ها نیز تأثیرگذار است. بر این اساس، برای فهم دقیق دلالت‌های اتخاذ رویکرد عادلانه باید بر هر یک از حوزه‌های فوق توجه کرد.

۱,۵. دلالت‌های اصولی اتخاذ رویکرد عادلانه (عدالت به‌مثابه اصل حاکم)

وقتی سیاستی وضع می‌شود، می‌تواند آثار مثبت و منفی زیادی بر زندگی اجتماعی به‌جای بگذارد. از این رو، باید مطابق یک سری اصول، سیاست‌گذاری انجام شود تا از آثار منفی آن کاسته و بر آثار مثبتش افزوده شود. اصول حاکم بر سیاست‌گذاری زیربنای سیاست‌گذاری در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. مشخص نمودن اصول حاکم بر سیاست‌گذاری، علاوه بر تعیین ارزش‌های حاکم بر سیاست‌گذاری و ملاک‌های ارزیابی سیاست، بخش بنیادین سیاست‌گذاری را تشکیل می‌دهد(قاسمی، ۱۳۸۷، ص. ۸۱). در ادبیات سیاست‌گذاری، اصولی مانند عدالت،

www.SID.ir

Archive of SID

آزادی(مور،۱۳۸۵، ص. ۲۹)، اصل توجه به منافع عامه یا مصالح عامه و اصل توجه به منافع ملی(ره‌پیک، ۱۳۸۰)، امنیت و پذیرش تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی (قاسمی، ۱۳۸۷، ص. ۸۲) مطرح می‌شود.

عدالت از پررنگ‌ترین و پرتکرارترین اصولی است که از سوی محققان به عنوان اصل حاکم بر سیاست‌گذاری مورد توجه بوده است. از سوی دیگر نظام ارزشی حاکم بر هر جامعه و نظام سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای بر تعریف از این اصول دارد. به‌عبارت‌دیگر، هر نظام ارزشی بر اساس نظام مفهومی خود، تعریف خاصی از اصول ارائه می‌کند. این تعریف می‌تواند با تعاریف دیگر، نقاط اشتراک و افتراقی داشته باشد. به‌طور مشخص تعریف از عدالت در اندیشه‌های گوناگون (لیبرالیستی، سوسیالیستی و اسلامی) تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که می‌تواند اثرات قابل‌توجهی بر سیاست‌گذاری داشته باشد. بدیهی است رویکرد لیبرالیستی که بر اصالت فرد و حداکثرسازی منافع آن توجه دارد یا رویکرد سوسیالیستی که اصالت اجتماع و حداکثرسازی منافع اجتماعی را فارغ از منافع فرد مدنظر دارد، نمی‌توانند تأثیر یکسانی بر سیاست‌گذاری داشته باشند.

۲,۵. دلالت‌های هدفی رویکرد عادلانه (تأثیر عدالت بر اهداف سیاست‌گذاری)

مهم‌ترین و اولین تأثیر مقوله عدالت در اهداف سیاست‌گذاری، توجه به اهداف حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری و لحاظ نمودن عدالت در آن اهداف است. همچنین رسیدن به نقطه مطلوب از نظر هویتی (نسبت مطلوب میان هویت‌های فردی، قومی، مذهبی، ملی و دینی)، تقویت هویت، همبستگی ملی و مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی)، عدم حذف فرهنگ و هویت قومی در فرآیند سیاست‌گذاری و تقویت فرهنگ و هویت قومی در کنار تقویت هویت ملی، رسیدن به نقطه مطلوب (حداقل میانگین ملی) در حوزه توسعه‌ای و اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و توسعه متوازن با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناطق، توجه به دین به‌عنوان عامل وحدت جامعه ایرانی و تقویت مبانی دینی و اهتمام به تربیت دینی اقوام می‌تواند از اهداف مورد توجه

www.SID.ir

Archive of SID

در سیاست‌گذاری تنوع قومی باشد که از عدالت نشئت گرفته‌اند.

۳,۵. دلالتی‌های فرآیندی رویکرد عادلانه (تأثیر عدالت بر فرآیند سیاست‌گذاری)

عدالت در فرآیند سیاست‌گذاری نیز تبلور دارد. سیاست‌گذاری یک امر ارزش‌مدارانه است و این موضوع در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری نمود دارد. بر این اساس، تعریف مسئله باید مبتنی بر نظام ارزشی فرد یا سیستم سیاست‌گذار صورت پذیرد. عدالت نیز یکی از ارزش‌های نظام ارزشی فرد، جامعه و حکومت است که مبنای برداشت از مسئله قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، چون تعریف مسئله، نحوه برداشت از مسئله است، تعریف مسئله به معنی بیان برخی واقعیات و ارائه قضاوت ارزشی پیرامون آنهاست(وحید،۱۳۸۳، صص. ٢٦-٢٧). همچنین چون تعریف مسئله بر اساس ارزش‌های مورد قبول جامعه صورت می‌گیرد، عدالت یکی از مفاهیم ارزشی است که می‌تواند مبنایی برای تعریف مشکل قرار گیرد. به عبارت دیگر چون گروه‌های متفاوت برداشت‌های متفاوتی که با منافع حزبی و گروهی آنان هم‌خوانی دارد، از مسئله دارند، عدالت می‌تواند معیاری برای هدایت و جهت‌دادن به این برداشت‌ها و تعاریف باشد(الوانی و دیگران، ۱۳۸۳، صص. ٦٤-٦٦). یکی دیگر از نتایج ارزش‌مدارانه بودن سیاست‌گذاری، ارائه راه‌حل بر مبنای نظام ارزشی است که عدالت جزئی از این نظام محسوب می‌شود. از سوی دیگر، کل‌نگری و همه‌جانبه دیدن مسئله و راه‌حل‌ها نیز بخشی از دلالت‌های اتخاذ رویکرد عادلانه است.

٤,۵. دلالت‌های محتوایی (سیاستی) اتخاذ رویکرد عادلانه

اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه سیاستی بر لزوم سیاست‌گذاری همه‌جانبه و توجه به همه حوزه‌ها در این مقوله تاکید دارد. زمانی یک سیاست‌گذاری عادلانه خواهد بود که به سیاست‌گذاری همه‌جانبه توجه داشته باشد. در ضمن، اتخاذ رویکرد عادلانه در سیاست‌های پیشنهادی در هر یک از حوزه‌ها موثر خواهد بود. با توجه به رویکرد

www.SID.ir

Archive of SID

مختار مقاله به عدالت، دلالت‌های سیاستی در هر یک از حوزه‌ها به شرح ذیل قابل پیشنهاد است:

الف) دلالت‌های سیاستی اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه فرهنگی و اجتماعی

بخشی از تبلور عدالت در سیاست‌گذاری حوزه فرهنگی و اجتماعی می‌تواند موارد ذیل باشد:

❖ بهره‌گیری از ظرفیت و مزیت زبان‌ها و گویش‌های مختلف در رسانه‌های فراگیر جهت هماوردی رسانه‌ای متناسب با رسانه‌های فعال در حوزه قومی

❖ تبلیغ خدمات نظام به مناطق دارای تنوع قومی به روش غیرحساسیت‌زا برای رفع احساس تبعیض و محرومیت‌ها

❖ بازنمایی مناسب و صحیح از چهره واقعی اقوام در جامعه

❖ نقش‌آفرینی فرهنگی مناطق دارای تنوع قومی برای استحکام فرهنگی این مناطق و مصونیت‌بخشی به اقوام در برابر تهاجمات فرهنگی، عقیدتی و سیاسی از سوی بیگانگان، گروه‌های افراطی قومی، مذهبی و تکفیری

❖ طراحی لازم برای صیانت از فرهنگ اقوام و تقویت زبان‌ها و گویش‌های اقوام

❖ تکریم و احترام به بزرگان و تاثیرگذاران مناطق دارای تنوع قومی و ارتباط مستمر با آنان

❖ توازن‌بخشی به اثرگذاری گروه‌های مرجع اجتماعی در مناطق دارای تنوع قومی (توازن‌بخشی به هرم قدرت اجتماعی)

❖ بهره‌گیری از ظرفیت نظام آموزشی برای تقویت هویت و همبستگی ملی

❖ اصلاح و ایجاد رشته‌های دانشگاه‌های مناطق دارای تنوع قومی متناسب با نیازهای آن‌ها

❖ ارتقای کمی و کیفی آموزش در سطوح مختلف (مدارس و دانشگاه و مقوله

www.SID.ir

Archive of SID

سطح سواد) به‌نحوی‌که حداقل سطح آموزش در این مناطق از متوسط سطح آموزش در کشور پایین‌تر نباشد.

❖ ارتقای سطح همبستگی و تقویت فرهنگ ملی از طریق توجه به آموزش زبان‌های محلی و قومی به‌عنوان یک آزادی (اجرای دقیق اصل ۱۵ قانون اساسی) و محوریت‌یابی در زبان‌های مشترک اقوام ایرانی و کشورهای پیرامونی

ب) دلالت‌های سیاستی اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه اقتصادی

بخشی از دلالت‌های سیاست‌گذارانه توجه به عدالت در حوزه اقتصادی می‌تواند موارد ذیل باشد:

❖ تعیین جایگاه مناطق دارای تنوع قومی در اقتصاد مقاومتی با توجه ویژه به ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی این مناطق

❖ توجه ویژه به توسعه هدفمند، با برنامه، بومی و عدالت‌محور مناطق دارای تنوع قومی

ج) دلالت‌های سیاستی اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه دین و مذهب

بخشی از تبلور عدالت در سیاست‌گذاری حوزه دین و مذهب می‌تواند موارد ذیل باشد:

❖ تقویت دین‌گرایی در میان اقوام ایرانی بر اساس آئین و مذهب خود بدون تاثیرپذیری از خارج از کشور و عاری از مولفه‌های افراطی و تکفیری

د) دلالت‌های سیاستی اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه سیاسی:

بخشی از تبلور عدالت در سیاست‌گذاری حوزه سیاسی می‌تواند موارد ذیل باشد:

❖ طراحی سیاست‌های لازم برای بهره‌گیری از ظرفیت اقوام در مناصب و مسئولیت‌ها

❖ کادرسازی از میان اقوام ایرانی برای فعالیت در عرصه‌های مختلف کشور

❖ رعایت اصل شایسته‌سالاری در انتصابات و به‌کارگیری افراد در مناصب و

www.SID.ir

Archive of SID

مشاغل

❖ عدم دخالت دادن موضوعات قومی و مذهبی در تقسیمات کشوری و توجه به حساسیت‌ها در این زمینه

و) دلالت‌های سیاستی اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه سیاست‌گذاری

بخشی از تبلور عدالت در سیاست‌گذاری حوزه سیاست‌گذاری می‌تواند موارد ذیل باشد:

❖ رصد و سنجش انگاره‌های هویتی مناطق قومی به‌ویژه حوزه احساس عدالت (پایش مستمر) به‌عنوان مقدمه سیاست‌گذاری یا ارزیابی و تغییر سیاست‌ها

❖ پیوست فرهنگی و هویتی سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌ها در مناطق دارای تنوع قومی

❖ توجه ویژه به حضور و سهم مردم در ابعاد مختلف سیاست‌گذاری

❖ سیاست‌گذاری همه‌جانبه و چندوجهی و دوری از اتخاذ رویکردهای تک بعدی در سیاست‌گذاری

❖ توجه به واقعیت‌های جامعه ایرانی و شرایط مناطق دارای تنوع قومی در سیاست‌گذاری‌ها

❖ انتخاب زمان مناسب برای سیاست‌گذاری

❖ تأکید بر اِعمال تبعیض مثبت در قبال مناطق دارای تنوع قومی در حوزه‌های مختلف با رعایت امکان‌سنجی هر حوزه

و) دلالت‌های سیاستی اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه مدیریتی

بخشی از تبلور عدالت در سیاست‌گذاری حوزه مدیریتی می‌تواند موارد ذیل باشد:

www.SID.ir

Archive of SID

❖ به‌کارگیری افراد با تجربه، خلاق و دارای فهم مسایل کلان، ملی و نگاه حاکمیتی با عنایت به رعایت شایسته‌سالاری در این حوزه

❖ هم‌سطح نمودن بضاعت نیروی انسانی، ساختار و امکانات (سازمان افزار) و سیاست و ایده (نرم‌افزار) مناطق مرزی با مناطق عمقی

۵،۵. دلالت‌های ساختاری اتخاذ رویکرد عادلانه

اتخاذ رویکرد عادلانه نیز بر ساختارسازی جهت اجرای سیاست‌ها تأثیرگذار خواهد بود. بر این مبنا ساختاری که اجرای سیاست را تضمین کند، از بخشی‌نگری به دور باشد و رویکردی کل‌نگرانه به سیاست‌ها داشته باشد (خلیلی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۰)، ساختاری عادلانه است. اگر ساختار به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که با عدالت چندان میانه‌ای نداشته باشد، عدالت نمی‌تواند در این ساختار نقش بارزی در سیاست‌گذاری ایفا کند. از باب «وضع الشیء فی موضعه» باید نهادها و سازمان‌هایی در ساختار حضور داشته باشند که در اجرای سیاست موثر هستند؛ به‌عبارت دیگر، سیاست عدالت‌محور در صورتی موفق است که ساختار، عدالت‌محور باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وجود تنوع قومی در هر کشوری لزوم سیاست‌گذاری متناسب با شرایط آن کشور و مبانی فکری حاکمیت را نشان می‌دهد. مبانی فکری حاکمیت از مولفه‌ها و اصول مختلفی شکل گرفته است که در جمهوری اسلامی ایران اصل عدالت یکی از این اصول است. عدالت علاوه بر اینکه به نوعی مبنای مشروعیت نظام سیاسی محسوب می‌شود و هر سیاست‌گذاری بدون توجه به این اصل نتایج زیان‌باری را رقم خواهد زد، در حوزه سیاست‌گذاری تنوع قومی به میزانی دارای اهمیت است که نظریات متعددی بر مبنای تاثیر احساس تبعیض و بی‌عدالتی در شکل‌گیری بحران‌های قومی شکل گرفته‌اند. در این مقاله تلاش شد چارچوب طراحی شده برخی از این نظریات مانند نظریه مبادله پیتر بلا، نظریه محرومیت نسبی و نسبت دادن رانی مان و هوندریش،

www.SID.ir

Archive of SID

نظریه تبعیضات قومی گوبوگلو، نظریه تعصب، پیشداوری و بروز خشونت‌های قومی دیوید مایر مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، عدالت می‌تواند زمینه‌ای اساسی برای روند ملت‌سازی ایجاد کند که در مقایسه با سایر عوامل مؤثر در ملت‌سازی جایگاهی رفیع دارد و به تعبیری، می‌تواند علت تامه ملت‌سازی باشد. در واقع در صورت توجه ویژه به مقوله عدالت در سیاست‌گذاری هویتی و روند ملت‌سازی، سایر عوامل موثر بر این فرآیند نیز معنادار می‌شوند و کارکرد خود را خواهند یافت. این وضعیت در نهایت به ملت‌سازی پایدار منجر می‌شود. یافته‌های نظری برای تبیین اهمیت، جایگاه و تاثیر عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی، در بررسی‌های تجربی و میدانی نیز اثبات می‌شود. تحقیقات و پیمایش‌های صورت گرفته در میان اقوام ایرانی نشان می‌دهد فقدان عدالت در جامعه یا احساس فقدان آن در میان آحاد جامعه یکی از عوامل جدی بروز بحران‌های قوم‌پایه است.

در این مقاله علاوه بر بررسی جایگاه و اهمیت عدالت در سیاست‌گذاری تنوع قومی، تلاش شد دلالت‌های اتخاذ رویکرد عادلانه در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری بررسی شود. عدالت یکی از اصول اساسی در سیاست‌گذاری‌ها در جمهوری اسلامی ایران و اصل حاکم در سیاست‌گذاری تنوع قومی است. به‌عبارت‌دیگر، در صورت بروز تعارض در سیاست‌گذاری میان برخی اصول، آنچه بر سایر اصول حاکم است، اصل عدالت است. بنابراین می‌توان گفت در نظام سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، اصل عدالت به‌عنوان یک اصل حاکم شناخته شده است. عدالت بر تعیین اهداف سیاست‌گذاری تنوع قومی نیز موثر است. بنابراین، دلالت‌های هدفی اتخاذ رویکرد عادلانه در سیاست‌گذاری تنوع قومی در چند مورد از اهداف آن نمود می‌یابد. با پذیرش رویکرد مختار به عدالت (وضع الشیء فی موضعه)، توجه به نقطه مطلوب از نظر هویتی، یعنی رعایت نسبت مطلوب میان هویت‌های فردی، قومی، مذهبی، ملی و دینی می‌تواند یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری تنوع قومی باشد. بر همین اساس

www.SID.ir

Archive of SID

در سیاست‌گذاری، توجه به همه مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و به‌طور طبیعی عدم حذف فرهنگ و هویت قومی در فرآیند سیاست‌گذاری نیز یک هدف اساسی محسوب می‌شود. در سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری مانند حوزه‌های اقتصادی، دینی و سیاسی نیز باید بر اساس عدالت، اهدافی را مشخص نمود. تعیین اهداف در گام‌های بعدی سیاست‌گذاری به‌ویژه ارزیابی سیاست مورد استفاده خواهند بود. همان‌طور که در مقاله اشاره شد سیاست‌گذاری امری ارزش‌مدارانه است بنابراین ارزشی مانند عدالت باید در بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری نمود پیدا کند. بر این اساس لازم است فرآیند سیاست‌گذاری تنوع قومی نیز عدالت‌محور باشد. تعریف مسئله باید مبتنی بر نظام ارزشی فرد یا سیستم سیاست‌گذاری صورت پذیرد. عدالت نیز یکی از این ارزش‌های نظام ارزشی فرد، جامعه و حکومت است که مبنای برداشت از مسئله می‌شود در مرحله ارائه راه‌حل نیز اصل عدالت باید بروز داشته باشد. در حوزه دلالت سیاستی، اتخاذ رویکرد عدالت‌محور به سیاست‌گذاری می‌تواند علاوه بر تاثیر بر راهبردهای هر حوزه، بر لزوم سیاست‌گذاری در همه حوزه‌ها (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی،امنیتی و ...) دلالت داشته باشد. به عبارت دیگر سیاست‌گذاری همه‌جانبه و توجه به حوزه‌های مختلف در سیاست‌گذاری تنوع قومی الزامی است و از اتخاذ رویکرد عادلانه به سیاست‌گذاری تنوع قومی قابل استخراج است. سیاست‌گذاری مطلوب و اثربخش بدون تعبیه ساختار متناسب بی‌معناست. توجه به اصل عدالت در این بخش نیز می‌تواند حاوی دلالت‌هایی باشد. از جمله اینکه ساختار عادلانه ساختاری است که به اجرای سیاست‌ها منتهی شود یا اینکه از همه ارکان‌ها و نهادهای موثر بر سیاست‌گذاری تنوع قومی استفاده کند. در ضمن عدالت می‌تواند به عنوان شاخص ارزیابی سیاست‌ها در حوزه مدیریت تنوع قومی مورد توجه قرار گیرد. البته در این مقاله به این موضوع پرداخته نشد. در مجموع می‌توان گفت مباحث مطرح شده در این مقاله می‌تواند در تدوین شاخص‌های عدالت برای ارزیابی سیاست‌های مدیریت تنوع

www.SID.ir

Archive of SID

قومی مورد استفاده قرار گیرد و گامی به سوی تدوین شاخص‌های عدالت برای ارزیابی سیاست‌های مدیریت تنوع قومی باشد.

یادداشت‌ها

1. Equality
2. Balance
3. Desert
4. putting everything in its place
5. The principle of equal worth
6. Utilitarians
7. ralative deprivartion & attribution theory
8. Guboglo
9. Bruce L. Benson
10. Discrimination
11. morality of relationship
12. Allport
13. La Piere
14. David T. Goldberg

۱۵. برای ارزیابی احساس عدالت پاسخ‌های کاملاً موافقم و موافقم با یکدیگر جمع شده است و درصدی از پاسخگویان که بی‌نظر بوده‌اند که در ارزیابی لحاظ نشده‌اند. این گروه به طور میانگین حدود ۵,۴۳ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند.

۱۶. در این گویه، نظرات کاملاً مخالفم و مخالفم برای ارزیابی احساس عدالت با یکدیگر جمع شده‌اند.

کتابنامه

اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوب جلسه ۲۸۸ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل بازیابی در: https://sccr.ir/pro/655

افتخاری، اصغر(۱۳۸۳). اقلیت‌گرایی دینی: طراحی یک چارچوب تحلیلی، تهران: تمدن ایرانی.

افروغ، عماد(۱۳۹۰). پیش‌فرض‌ها و رویکردهای نظری عدالت اجتماعی در مجموعه مقالات عدالت دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.

www.SID.ir

Archive of SID

الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح(۱۳۸۳). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

پیغامی، عادل(۱۳۸۷). تحلیل مبادی هستی شناختی و معرفت شناختی مسئله عدالت در اندیشه استاد شهید مطهری. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱(۱)، ۲۰۰-۱۷۳

پورعزت، علی اصغر، طاهری عطار، غزاله و سعدآبادی، علی اصغر(۱۳۹۱). راهبری ملت سازی پایدار مبتنی بر عدالت اجتماعی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، ٤ (۱۱)، ۱-۲۲

تراب زاده جهرمی، محمدصادق و سجادیه، علیرضا(۱۳۹۰). گونه‌شناسی نظریات عدالت مبتنی بر ابعاد فلسفی؛ روشی در تبیین ماهیت مفهومی عدالت. دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۲)، ۹۵-۵۹

توسلی، حسین(۱۳۷۵). مبانی نظری عدالت اجتماعی، تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان.

جلایی پور، حمیدرضا و قنبری، علی(۱۳۸۸). بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن با تأکید بر ایرانیان عرب زبان. فصلنامه پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳ (۲)، ۱۸٦-۱٦٥.

جمال‌زاده، ناصر(۱۳۸۷). عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه‌شناختی.دوفصلنامه دانش سیاسی، ۸ (۲)، ۵-۳۵.

خامنه‌ای، سید علی(۱۳۸۳). بیانات در دیدار با دانشجویان، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3257

خلیلی، عزیزالله(۱۳۹۱). بررسی اصول مؤثر بر سیاست‌گذاری عمومی از دیدگاه اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران).

خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸٦). فراز و فرود عدالت در جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه دانش سیاسی، ٦ (۲)، ۵-۳۵.

درخشه، جلال (۱۳۸٦). عدالت از دیدگاه امام علی(ع). دوفصلنامه دانش سیاسی، ۵ (۱)، ۵-۳۷.

www.SID.ir

Archive of SID

درخشه، جلال(۱۳۸۷). عدالت از دیدگاه امام علی(ع) در مجموعه مقالات سیاست و عدالت؛ بررسی ابعاد نظری و کاربردی عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب، به اهتمام دکتر فرشاد شریعت، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

درخشه، جلال و فخاری، مرتضی (۱۳۹۵). گستره مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی رحمه ا...علیه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ٦ (۱۸)، ۱۸-۱

ره‌پیک، حسن(۱۳۸۰). جایگاه منافع ملی در سیستم حقوقی، مطالعات راهبردی، ٤ (۱۱و ۱۲)،۸۹-۸۱

سن، آمارتیا(۱۳۷۹). آزادی و برابری (حسن فشارکی، مترجم)، تهران: شیرازه (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲).

سند چشم‌انداز ۱٤۰٤ جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۲/۸/۱۳)، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی(۱۳۹۲/۱۱/۲۹)، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370

سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه(۱۳۷۲/۸/۱۸) ، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=2692

سیاست‌های کلی برنامه چهارم(۱۳۸٤/۵/۱) ، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=37764

سیاست‌های کلی برنامه پنجم(۱۳۸۷/۱۰/۲۱) ، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=5389

سیاست‌های کلی برنامه ششم(۱۳۹٤/٤/۹) ، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128

سیاست‌های کلی جمعیت(۱۳۹۳/۲/۳۰) ، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440

سیاست‌های کلی علم و فناوری(۱۳۹۳/٦/۲۹) ، قابل بازیابی در:
http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27599

صالحی امیری، سیدرضا(۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

www.SID.ir

Archive of SID

علی ابن ابیطالب(۱۳۷۹). نهج‌البلاغه (محمد دشتی،مترجم)، قم: آل علی(ع).

قاسمی، محمدعلی(۱۳۸۷). مدیریت تنوع فرهنگی (آمریکا، لبنان، ترکیه، هند، بریتانیا و پاکستان)، تهران: تمدن ایرانی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در:
https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132239

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در:
https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755

قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در:
https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196

قیصری، نورالله(۱۳۸٦). تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی، درمجموعه مقالات تنوع فرهنگی و همبستگی ملی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کریمی، علی و قاسمی طوسی، سمیه(۱۳۹۳). سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۵(۵۸)، ٤۸-۲۵

محمدی ری‌شهری، محمد(۱٤۱٦ ق). میزان الحکمه (ج۳)، قم: دارالحدیث.

مطهری، مرتضی(۱۳۹۲). عدل الهی، تهران: صدرا، چاپ ٤۰.

مطهری، مرتضی(۱۳۸۱). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ، چاپ ۳۱.

مور، کن بلیک(۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر سیاستگذاری اجتماعی، (علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، مترجمان)، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (نشر اثر اصلی ۲۰۰٦).

www.SID.ir

Archive of SID

موسسه مطالعات ملی(۱۳۹۵). یافته‌های پیمایش در کل کشور، تهران: تمدن ایرانی.

نقشه علمی کشور(مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، خرداد ۱۳۹۰)، قابل بازیابی در: https://sccr.ir/pro/1813

نمازی، حسین و لشکری، علیرضا(۱۳۹۱). توازن و رویکردهای عدالت؛ کنکاشی در رویکرد شهید صدر و شهید مطهری به توازن، دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۳(۲)، ۱۲۲-۹۷.

نوابخش، فرزاد، گراوند، جمشید(۱۳۹۰). بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان شیعه و سنی مذهب قوم کرد، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷(۲۲)، ۱۸۷-۱۴۹

نواح، عبدالرضا، تقوی نسب، سید مجتبی(۱۳۸۹). آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران مورد مطالعه: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز. پژوهشنامه، ۳ (۵۹)،۹۲-۵۹

هوشنگی، حمید(۱۳۹۶). تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران: راهبردها و سیاست‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

وحید، مجید(۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی، تهران: میزان.

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir